(مقاله مروری)

اخلاق و میراث فرهنگی

دکتر نازیلا دریایی *

گروه هنر، بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران

تاریخ دریافت: 94/2/15 تاریخ پذیرش:94/5/24

چکیده

زمینه: واژه‌ها در عمق معانی شکل گرفتهٔ خود، واجد مفاهیمی جدی و دقیق برای انتقال به اذهان می‌باشند. از آن دست است واژهٔ ذهن آشنا و دیرین سالی همچون فرهنگ و میراث فرهنگی. در نظر داشتن فرهنگ از شقوق مختلف، امر مهمی در بررسی سوابق هویت اخلاقی و شناختن اجتماع محسوب می‌شود. آن جنبه‌ای از فرهنگ که با میراث‌های معنوی اجتماع پیوند برقرار می‌کند، بحث مالکیت‌های معنوی میراث فرهنگی را مطرح می‌سازد که زیربنای اصلی آن، مباحث اخلاقی و اخلاق‌مندی‌های انسانی در سطوح بزرگ‌تری همچون مرزهای یک سرزمین را شکل می‌دهد. در مقالهٔ حاضر سعی شده تا مباحث اخلاقی با حوزهٔ میراث فرهنگی ایران در ارتباط با موضوع مالکیت معنوی و دانش سنتی فرهنگ و هنر ایرانی مورد بحث قرار بگیرد.

نتیجه‌گیری: رابطهٔ اخلاق با مواریث فرهنگی هر ملتی رابطه‌ای چند سویه است که در این مقاله با تکیه بر بعد اخلاقی انتظارات جمعی برخورد با میراث فرهنگی و فعالیت‌های دولت در این مورد، بحث به دو حوزهٔ مالکیت معنوی میراث فرهنگی و دانش سنتی داشته‌های هنری و فرهنگی ایرانیان کشیده شده است. عمر این دو شق مهم در حراست از میراث فرهنگی ایران، کوتاه است ولی از آنجا که آنها به نوعی از قوانین بین‌المللی و اخلاقی دفاع از علوم سنتی و هنرهای ملی سرزمین‌ها تبدیل شده‌اند، ناخودآگاه تمام ملل صاحب تمدن نیز برای ثبت و حفظ میراث فرهنگی خود به‌ناچار می‌بایست بدان‌ها تمسک جویند.

کلید واژگان: *اخلاق، میراث فرهنگی، مالکیت معنوی، دانش سنتی*

سرآغاز

میراث فرهنگی[1] جزء ثروت‌های عظیمی است که اگر سرزمینی از نعمت آن برخوردار بود، وظیفهٔ سنگین‌تری را نه بر دوش تنها دولتمردان که بر گردهٔ یکایک افراد اجتماع وارد می‌سازد. از این حیث که معرفت حفظ چنین میراثی و سپردن آن به سلامت به آیندگان، کار آسانی نیست. برای حصول این معرفت، رفتارهای اخلاقی با فرهنگ زندگی مردم، پیوند می‌خورد و تحت چنین شرایطی با استحکام پشتوانه‌های معرفتی، صلح و دوستی دریچه‌ای برای ارتباط ملل فراهم می‌آید. ایران از جمله کشورهایی است که آوازهٔ هنر و میراث‌های فرهنگی آن، زبانزد است اما مفاهیم فرهنگ و میراث فرهنگی چیست و قدم‌هایی که برای حفظ این میراث‌ها با توجه به بعد اخلاق‌مندی انسانی، آموزش و رعایت اخلاقیات در ارتباط با مواریث فرهنگی وجود دارد کدام است. ضرورت مفهوم فرهنگ و میراث سنتی در بحث حاضر ایجاب می‌کند که در ابتدا به دریافت مشترکی از محتوای ضمنی این دو واژه در حد پرداختن به موضوع مقاله، اشاره شود.

فرهنگ

فرهنگ به صورت کلی در دو حیطهٔ الف: رسوم و تمدن، ب:

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: n_daryaie @ yahoo.com

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

دستاوردهای بشر در یک مقطع خاص زمانی یا توسط افراد یک جامعه قابل بررسی است. در شق دوم، فرهنگ، هنرها و ارزش‌های هنری[2] مردم را به صورت یک مجموعه، شکل می‌دهد. با چنین تعریفی فرهنگ از دو جنبهٔ مردم‌شناسی و هنری اهمیت بیشتری می‌یابد. باورها و رسوم از جمله مواردی هستند که وجه مردم‌شناسی فرهنگ را معنی می‌کنند. برخی مفاهیم عمیق استدلالی و تمدن بشر نیز به شق هنری آن ورود می‌یابند(1). مردم با فرهنگ زندگی می‌کنند و مجموعه‌ای از دانش‌ها، علوم، هنرها، قوانین، اخلاقیات، دین، فلسفه، ادبیات و عادات را فرهنگ در تعریف خود جای می‌دهد. فرهنگ امری اکتسابی است و از طریق آموزش، نه به صورت غریزی، به افراد و نسل‌های بعد منتقل می‌شود(2). همراهی و هم‌فکری همهٔ آحاد و اقوام یک سرزمین فرهنگ را می‌سازد. متغیرهایی نظیر محیط جغرافیایی، شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه، ساختارهای سیاسی و قانون‌گذاری‌های دولتی از جمله عواملی هستند که در پیدایش فرهنگ، دخیلند. واژهٔ فرهنگ از دورهٔ پارسی میانه به خزانهٔ لغات محاوره و نوشتار ایرانیان راه می‌یابد این لغت مرکب از پیشاوند فر به معنی جلال و شکوه است و هنگ از ریشهٔ ثَنگ اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن می‌باشد. فرهنگ در معنای کلی به نگهداشتن حد واندازهٔ هر چیزی اشاره می‌کند(3 و 4). گسترهٔ معنای فرهنگ در حیطهٔ هنر، برترین فضیلت‌ها و ارزش‌ها را در اثر هنری و در وجود هنرمند تبیین می‌کند. در قرن نوزده در ادامهٔ بحث‌های داغ فرهنگی، فرهنگ با تمدن مقایسه شد و آن دو در ارتباط با توانمندی‌های بشر در حوزه‌های دین، هنر، اخلاق با هم مرتبط دانسته شدند(5). با این توصیف، فضایل و رذایل اخلاقی، هنرها، معماری و ادبیات، علوم و چگونگی هماهنگ‌شدن انسان با مشخصه‌های فوق و محیط اطراف همگی تحت تعاریفی در حوزهٔ فرهنگ قرار می‌گیرند. فرهنگ حتی در محورهای مربوط به انسان‌شناسی و قوم‌شناسی نیز ورود می‌یابد. آیین‌ها، فولکلور و سنت‌ها در یک جامعه نیز فرهنگ‌ساز هستند. چون آنها در اصل تفکر و باورهایی را شکل می‌دهند که بقا و تکثیر آنها در تکرارشان است. چنین باورهای فرهنگی، مرزهای مکانی وقومی یک جامعه را مشخص‌می‌کنند و مولفه‌ای به نام هویت به تدریج شاخص تعریف محدودهٔ خاص جغرافیایی در ارتباط با فرهنگ را به‌وجود می‌آورد. دو مقولهٔ مهم پهنهٔ فرهنگی و قدرت فرهنگی، موجبات شدت و ضعف قلمرو و پایه‌های فرهنگی را سامان می‌بخشند(1). از آنجا که هر نظام فرهنگی مبتنی بر محیط و بستر رشد خود است، تاثیر و تاثری فیمابین فرهنگ و محیط بوجود می‌آید که در تعریف پهنهٔ فرهنگی می‌گنجد.

آداب رفتاری، فرهنگ و آثار هنری

برخی مفاهیم و آموزش‌ها چنانچه بر مبنای داده‌های علمی و تجربیات آزمون شده، از اولین سال‌های شناخت هویت فردی، به بطن زندگی آحاد اجتماع تزریق و القاء شوند، قدرت باروری فکر و نیروی زایش اندیشه را برای فراهم آوردن هنجارهای روانی متعادل و برقراری ثبات نسبی اخلاق در نهاد خانواده، در آینده و طولانی مدت به نحو موثرتری باعث خواهند شد.

از این دیدگاه فرهنگ مانند یک نظام آموزشی عمل می‌کند که محیط یادگیری و عملکرد یادگیرنده را در برمی‌گیرد. محیط همان پهنهٔ فرهنگی است که به افرادکمک می‌کند تا به عنوان یادگیرنده ویژگی‌های مورد انتظار شناختی، عاطفی و روانی، حرکتی را کسب کنند و به نسبت تعهدی که در وجود آنها شکل گرفته و بدان ایمان دارند، باورهای اخلاقی و رفتاری خود را در قبال مقولهٔ فرهنگی و هنری به مرحلهٔ عمل دربیاورند (6). برخورد انسان‌ها نسبت به میراث فرهنگی و آثار هنری، واکنشی نهادینه در وجود آنهاست که از اخلاق‌مندی‌ها و ضوابط خاص زندگی خانوادگی و اجتماعی شکل گرفته است. این تعریف معادل نوعی وظیفه‌گرایی[3] است به این معنی که انجام وظایف و الزامات خاص اخلاقی، منجر به انجام بهترین واکنش نسبت به ارزش‌ها در وجود می‌شود(7).

گاهی مفهوم فرهنگ در حد واژه‌ای استعاری در محاورات همگانی باقی می‌ماند. یعنی شیوهٔ زندگی انسان‌هایی که در امکان محل زندگی، اشتراک دارند. در چنین محیطی تمامی عادات، آیین‌ها، علوم و هنر یک ملت واحد بر هم تاثیر گذاشته و فرهنگ را شکل می‌دهد. اما مهم‌ترین معانی فرهنگ ما را با معارف رفتارشناسی مواجه می‌سازد. در این حوزه فرهنگ الگوها یا ساختارهایی را شامل می‌شود که قواعد منظمی برای آداب

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

رفتاری فراهم می‌آورد. به عبارتی دیگر برای رفتار معیار و کد تعریف می‌کند. ورود فرهنگ به مباحث علوم اجتماعی از اواخر قرن نوزده شکل می‌گیرد(8). فرهنگ پویاست، تنها ساختار وجودی آن حایز اهمیت نیست، بلکه همواره مسیری رو به رشد دارد. از خاصیت انتقال موروثی برخوردار بوده و حوزه‌های علم را یکی در دیگری تقویت خواهد کرد. فرهنگ نیز برای تقویت مبانی خود به متغیرهایی نیازمند است. تعادل و ثبات نسبی زندگی نظام‌مند اجتماعی، یکی از این متغیرهاست. چرخش فرهنگ در فرآیندی رو به رشد در صورتی امکان‌پذیر می‌باشد که سطوح متفاوت اجتماعی از ثبات نسبی برخوردار باشند. گسترش خدمات اجتماعی و توسعهٔ آموزش‌های همگانی، از طریق فرهنگ امکان‌پذیر است. باروری بلا ینقطع و مدام فرهنگی، ساخته‌شدن پی‌درپی تمدن و مواریث فرهنگی را فراهم می‌آورد(9). آنچه در حال حاضر موجبات رضایت ما و پیشبرد کارها را در زمانی کوتاه‌تر میسر می‌سازد، در گذشته‌ای دور یا نه چندان دور آرزوهای جمعی یا فردی انسان‌ها برای زندگی بهتر به حساب می‌آمده است. فرهنگ، بسیاری از حیطه‌های علوم را با هم به حوزهٔ عمل وارد می‌کند. نمونهٔ آن، آمیختگی حوزه‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی در گسترهٔ فراگردهای میراث فرهنگی ایرانی است. در اینجا فرهنگ نه به مانند مجموعهٔ فعالیت‌ها، بلکه همچون شیوهٔ زندگی انگاشته می‌شود. یعنی در گسترهٔ معنایی فوق، فرهنگ، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، قوم‌شناسی و باستان‌شناسی به هم می‌پیوندند(10). چنین فرهنگی رفتارساز می‌شود و چنین رفتاری مبادی اعتقادی شخصیت فرد را شکل می‌دهد. چون بدین طریق آنچه را فرد بدان باور دارد، در وجودش نهادینه شده، تحت ضابطه درمی‌آید و بر آن متعهد می‌شود. ارزش بخشی به رفتار، قاعده و معیار نیاز دارد و اگر توانمندی ذهن برای برقراری ارتباطات به ابزاری جهت استفادهٔ هوشمندانه مجهز نباشد، محتوی فکری و موفقیت‌های ارزشی خود را از دست می‌دهد. باید موقعیت توانایی ذهنی انسانی را در برابر صفات انسانی قیاس کرد. در این صورت است که پیگیری فرهنگ در الگوی کلی اجتماع و به شیوهٔ کل به جزء میسر می‌گردد. حرکت فرهنگ در چرخهٔ خاصی اتفاق می‌افتد (11). هر حرکت فرهنگی آهنگ رشد منحصر به فردی دارد که با دیگر فرهنگ‌ها متفاوت است. این زبان خاص فرهنگی است که وجوه تمایز و تشابه خود را در ارکان، مشخص ساخته و یا باعث تفوق فرهنگی در نظام غالب اجتماع می‌گردد. هر اندازه زبان یک ملت غالب باشد نشانه‌های برتری فرهنگی در معنای جامع و کامل فرهنگ، با ملت قرین است. چرا که «زبان نماد باارزش و استوار فرهنگی است» (12). در اهمیت زبان فارسی تا آن حد گفته‌اند که زبان فارسی ایران حتی به مدت چند قرن به صورت زبان بین‌الملل در قسمت بزرگی از آسیا استفاده می‌شده است (13). چنین نشانه‌های فرهنگی و حتی نوع زبان بین ملت‌ها در باورهای اخلاقی و رفتارهای شخصی و جمعی اجتماع هویت و قوام می‌یابد. میزان پیشرفت هر جامعه‌ای در تاریخ و کل جامعهٔ جهانی به میزان ارتباط آن جامعه با فرهنگ‌های متفاوت و نحوهٔ تاثیر و تاثر گرفتن از آنها ارتباط معنادار دارد. کار قضاوت در مورد اعتبار فرهنگ‌ها را تاریخ منکشف می‌سازد. میزان پیشرفت هر انسانی در زندگی فردی نیز به میزان مواجههٔ او با فرهنگ‌های مختلف و یا حوزه‌های متفاوت علوم جهانی و ژرفای افق دید عالم انسانی با تمامی خصوصیت فردی یک انسان در کسب منش اجتماعی مربوط می‌شود. رعایت اخلاق‌مندی در چگونگی مواجهه با میراث فرهنگی توسط افراد یک ملت، اعتبار و هویت فرهنگی آن کشور را بین ملت‌ها و کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد.

اما مجرای اصلی انتقال فرهنگ خانواده است که اگر این نهاد در این‌باره موفق نباشد، بروز رفتارهای جمعی در برابر مظاهر هنری و میراث فرهنگی اجتماع دچار مشکل خواهد شد. این همان معنی قابلیت تقسیم‌پذیری فرهنگ در خرده‌فرهنگ‌های محلی است که پشتوانهٔ ارزشی تمدن را شکل می‌دهد.

فرهنگ استوار ایران زمین

قدرت فرهنگی ایران بر پایهٔ عواملی بنیاد یافته است که از خوی و اصالت اخلاقی و رفتاری هنرمندان در بوجود آوردن بدعت‌های هنری و آثار نفیس فرهنگی سرچشمه می‌گیرد. عاملی که دلیل ماندگاری این میراث در جهان شده و به سبب ریشه‌های مستحکمی که دارد در فراتر از مرزهای ایران، اعتبار و روایی یافته است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از زبان و ادبیات ایرانی،

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

علم و هنر ایرانی، معماری ایرانی، جشن‌ها و رسوم ایرانی از قبیل نوروز، جشن سده و یلدا، اسطوره‌های ایرانی مثل شیرین و فرهاد، رستم و سهراب، دیو و سیمرغ، دین شیعی – اسلامی ایرانی. از نشانه‌های برتری فرهنگی کاربرد آن در سرزمین‌های دیگر است. پاکستان، افغانستان، ارمنستان، تاجیکستان، گرجستان، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان از جمله کشورهایی هستند که هر یک گوشه‌ای از فرهنگ ایران را به ارث برده‌اند. روی هم رفته عوامل ذیل در زمرهٔ عوامل همبستگی‌های منطقه‌ای این ملت‌ها محسوب می‌شوند: عامل قومیت، نژاد، آداب و رسوم، عامل زبان، عامل دین، عامل موقعیت منطقه‌ای و همجواری جغرافیایی، عامل سیاسی، عامل ایدئولوژیک و عامل اقتصادی و اشتراک منافع(12).

میراث فرهنگی و اخلاق‌مندی افراد اجتماع در قبال آن

در جهت حمایت و حفاظت از تولیداتی که دارای اعتبار میراث فرهنگی هستند و در جهت حمایت از هنرورزان و صنعت‌گران هنری، اروپا در قرن پانزده، قوانینی دولتی را وضع و تصویب نمود. میراث فرهنگی برای اولین بار در سال 1907 در قوانین بین‌المللی دیده شد و بعد از آن یونسکو مبادرت به تعمیم و اشاعهٔ قانون فوق کرد. قانونمندی آثار هنری در حیطهٔمیراث‌های فرهنگی در دههٔ 1950 عملی شد. قوانین بین‌المللی مربوط به حفظ میراث‌های فرهنگی مسئله‌ای بود که در خلال دوران جنگ، در دفاع از مظاهر فرهنگی با قانون مالکیت معنوی گره خورد(14). بنابراین کلیهٔ اموری که داشته‌ها و میراث مردم یک سرزمین را برای نسل‌ها و طی اعصار متفاوت از حیث وجوه فرهنگی شامل می‌شوند، جزء میراث فرهنگی ملت‌ها محسوب می‌گردند که هم متولیان نهاد جامعه به عنوان قانون‌گذار و هم یکایک افراد اجتماع در برابر حفظ و سپردن آن به نسل‌های بعد، مسئولیت‌هایی دارند. از حیث مسئولیتی که افراد برای چگونگی روبرو شدن با مظاهر فرهنگی و صیانت از آن دارند شخصیت آنها اهمیت خاصی پیدا می‌کند. این همان شقی است که با اخلاق و ضوابط اخلاق‌مندی جامعه مرتبط می‌شود. برای ارزیابی نحوهٔ مواجههٔ مردم یک جامعه با مواریث فرهنگی، به ارزیابی اخلاقیات افراد اجتماع نیاز است. که خود امری است که ارتباط مستقیمی بامنش و سیرت افراد دارد «دلایل یک فرد برای کنش رفتاری، وجوهی از شخصیت وی را نشان می‌دهند که او برای واکنش نسبت به شرایط، از خود نشان می‌دهد»(15). برخورد ملت نسبت به مقولهٔ فرهنگی، به قضاوت‌های دقیق ویژگی‌های شخصیتی افراد اجتماع وابسته است. شاید بتوان در این خصوص حوزهٔ برخوردهای جمعی یا فردی را نسبت به آنچه میراث فرهنگی نامیده می‌شود، در مقیاس وسیع‌تری به حوزهٔ اخلاق‌های زندگی شهری تسری داد. شهر به مانند کانونی برای اجرایی شدن قوانین فرهنگی قلمداد می‌شود. این محیط‌های زندگی جمعی، از حیث وجوه سلامت و تامین اقتصادی، قدرت‌های دولتی و خصوصیات زندگی تابع قوانین واحد دولت هستند(16). افراد حتی به دفعات به آنان که منفعت‌رسان هستند، تمایل و از آنان که ضرررسان هستند، تنفر دارند. اگر ضرر وارده در مقیاس بزرگ‌تری از جامعه در نظر داشته شود، آنچه به آثار فرهنگی ملی سرزمینی خدشه وارد کند، ضرر تلقی شده و عمل نادرستی محسوب می‌شود. نمونهٔ چنین برخوردی در نقاط مختلف فرهنگی و آثار متفاوت هنری ایران قابل مشاهده است. حک کردن اسامی بر آثار معماری باقیمانده در نواحی مختلف، آگاهی از اخبار مربوط به قاچاق اشیاء هنری مملکت، بهره‌برداری رایگان و حراست از آثار با ارزش و دارای اعتبار فرهنگی ایران در موزه‌های مختلف کشورهای جهان، تداعی‌کنندهٔ بخشی از اخلاقیات منفی تعدادی از افراد جامعه است که به واسطهٔ اعمال آنان زیان‌های این رویدادها بر پیکر اجتماع وارد می‌آید و بخش وسیعی از جامعهٔ ایرانیان را متضرر می‌سازد.

ایران سرزمین وفور نعمت هنرورزی و مهد هنرهای مختلف است که شاهکارهای بزرگی را چه از حیث وجود هنرمند و چه از حیث عرضهٔ آثار هنری بر جهان ارائه نموده است. ایرانی‌ها به طور عام با موزه غریب‌اند و کمتر به بازدید از موزه در سفرهای شهری و بین شهری اهمیت می‌دهند. شاید در وهلهٔ اول تمایل و رغبت بیشتری به دیدن اماکن و بناهایی که از نظر معماری اهمیت دارند، نشان دهند. اما پای‌بندی اکثریت آنان به موازین اخلاقی برای حفظ میراث خود چگونه است؟ افراد هر چند خود عامل نباشند، لیکن به یادگار گذاشتن و در واقع تخریب آثار

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

معماری را با انواع کنده‌کاری‌ها، نقاشی‌ها و نوشتارها بر اماکن معماریِ در دسترس، به یاد دارند. این تعریف، مبین مثال ملموس ارتباط معنادار اخلاق با محیط است. رعایت ضوابط اخلاقی در مقولات مربوط به محیط زیست خود به توسعهٔ پایدار ملت‌ها کمک می‌کند. توسعهٔ پایدار مفهومی کلی‌نگر دارد و مولفه‌های اصلی آن را انسان، محیط‌زیست، فرهنگ، آموزش، اخلاق، مشارکت و امنیت تشکیل می‌دهد(17).

میراث فرهنگی ملموس[4] و غیر ملموس[5]

میراث فرهنگی میراثی از مصنوعات فیزیکی، مادی و بخش غیر ملموسی از آن است که به گروه یا جامعه‌ای نسبت داده شده، از نسل‌های قبل به ارث رسیده، در زمان حاضر از آن محافظت می‌شود و برای برخورداری از مزایای آن به نسل‌های بعد ارزانی می‌شود. معماری، اماکن تاریخی، بناهای یادبود و مصنوعات از جمله بخش‌های ملموس میراث فرهنگی به شمار می‌آیند. بخش‌هایی که در شمار اشیاء قابل رویت قرار دارند و حوزه‌هایی از قبیل باستان‌شناسی، معماری، علوم و فن‌آوری‌های فرهنگی خاص را شامل می‌شوند. مطالعهٔ بخش ملموس فرهنگ از آن حیث اهمیت دارد که جزء مبانی قابل لمس افکار انسانی و باعث اعتبار افکار تلقی می‌شود. آنها بیان شفاهی ملموس نوع زندگی مردم، یادواره‌ها و روایت‌های زندگی آنان در گذشته هستند. این بخش از میراث فرهنگی همواره در معرض خطراتی نظیر طریقهٔ مواجههٔ مردمی به نام گردشگر با این اشیاء و خطرات ناشی از تخریب فیزیکی قرار دارد. اما بخش غیر ملموس میراث فرهنگی شامل است و البته محدود نیست به مواردی نظیر جشنواره‌های سنتی، سنت‌های شفاهی، اشعار شفاهی، رسوم، شیوه‌های زندگی، هنرهای سنتی، آداب مذهبی، سنت‌های موسمی آیین‌های مرتبط با رقص بومی، جشنواره‌های سنتی غذاهای محلی، تئاترهای خیابانی عروسکی یا خیمه‌شب بازی، موسیقی‌های نواحی، فولکلور و غیره. محافظت از بخش غیرملموس این میراث، حفظ مولفه‌های فرهنگی و در نتیجه تنوع فرهنگ جامعهٔ انسانی است(18).

میراث در کلیت خود مفهومی است که در اذهان مردم، واجد ارزش‌های مثبت و اعتبار است. با حراست از مقولات فرهنگی - همچون هنرها و مواردی که با زندگی روزمرهٔ انسان در ارتباط هستند، معماری، تفرجگاه‌ها و نیز بخش غیر ملموس فرهنگ نظیر رقص‌های آیینی، محلی و موسیقی، آداب و رسوم، زبان و اذکار انسانی – به عنوان داشته‌های جمعی، همهٔ مردم از فواید آن بهره‌مند می‌شوند. هویت افراد و اجتماع به واسطهٔ چنین فرهنگ ملموس و غیر ملموسی شکل می‌گیرد. چرا که مفهوم میراث با هویت و سرزمین ادغام شده است. از آن حیث دو مولفهٔ هویت و مرز جغرافیایی اهمیت دارند که افراد و جوامع اغلب با یکدیگر رقابت و سر ستیز دارند. این منازعات حتی مواردی را در محدودهٔ زمینی بومی، حق برخورداری از مالکیت معنوی، اقلیت‌های قومی یا اکثریت‌های غالب دربرمی‌گیرد تا حدود و صغور میراث‌های فرهنگی، تعیین و مدیریت شود. بدین لحاظ است که بحث اینکه چه کسی باید از میراث فرهنگی دفاع کند، بر آن کنترل داشته باشد و بر منافع آن نظارت داشته باشد، پیش کشیده خواهد شد(19).

مالکیت معنوی، حفظ ارزش‌های هنری با در نظر داشتن مبانی اخلاقی

مالکیت معنوی در حیطهٔ هنر و مباحث فرهنگی به زبان ساده کاویدن و بررسی حقوق ارزش‌ها، مسئولیت‌های مربوط به مواد اولیهٔ فرهنگی، دانش فرهنگی و تحقیقات کاربردی میراث فرهنگی را شامل می‌شود. تامین منابع کاربردی و شبکه‌ای اطلاعات بین جوامع و ترغیب محققین به کار در مقولات فرهنگی از جمله اهداف آن است(20).

رعایت اخلاقیات و اخلاق‌مندی در مباحث فرهنگی، هنری تنها در حیطهٔ ضوابط اخلاقی افراد اجتماع نمی‌گنجد. بخشی از این پاسداشت‌ها، به سیاست‌گذاری‌ها و دستورالعمل‌های دولتی ارتباط می‌یابد که در قالب ضوابط سازمانی به اجرا در می‌آید. به طور نمونه: بحث مالکیت معنوی[6] هنرهای ایرانی در موضوع خاص قالی‌های ایران یکی از اهداف بلند مدت سازمانی است که در وزارت صنعت معدن تجارت دنبال می‌شود. زمانی پیگیری برای ثبت خصوصیات قالی مناطق مختلف جغرافیایی ایران شدت بیشتری گرفت که بعضی کشورها، طرح‌های بعضی مناطق قالیبافی ایران را به نام خود ثبت جهانی کردند. سازمان مربوطه در وزارت معدن با کارشناسی محور بحث مالکیت معنوی فرش ایران، بهترین معاهده و پیمان جهانی را برای دفاع از مالکیت معنوی قالی ایران پیمان لیسبون تشخیص داد. بدیهی بود که در

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

ابتدای امر خصوصیات قالی بافت هر منطقه از ایران که طرح و نقش و رنگ قالی نیز مولفه‌ای از آن میان بود، باید به ثبت داخلی می‌رسید و سپس بعد از این مرحله، با جمع‌آوری مدارک لازم، برای ثبت این ویژگی‌ها از طریق پیمان مربوطه، اقدام می‌شد. یعنی با استفاده از مفاد پیمان فوق، مدارک جمع‌آوری شده برای تایید و ثبت نهایی به وایپو یا سازمان جهانی مالکیت جهانی ارسال می‌شود.«سازمان جهانی مالکیت معنوی[7] نمایندهٔ مسئول سازمان ملل در جهت ارتقاء و حمایت از فعالیت‌های معنوی خلاقانه و تسهیل انتقال فناوری به حساب می‌آید به این منظور که موجبات تسریع پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها را فراهم آورد»(21). تا این تاریخ مناطق قابل توجهی از جغرافیای بافت قالی ایران به ثبت جهانی رسیدند. یعنی نوعی ضوابط اخلاقی تعریف شده، استاندارد و قابل قبول در سطوح بین‌المللی به حمایت از این تولیدات می‌پردازند به گونه‌ای که با حفظ اصالت‌تولیدات، بعضی ملیت‌ها یا کشورهای غیر از ایران برای اکتساب آنچه در اصل موجودی و میراث آنها نیست، گام برندارند(22).

در این نمونه اصلی بحثی که ضوابط بین‌المللی را وادار به اخذ سیاست‌گذاری‌هایی در حیطهٔ آثار هنری می‌کند، مقولهٔ اخلاق و رفتارهای جهانی ملت‌ها در چهارچوب حفظ اخلاق و رفتار شریف و مورد انتظار انسانی است.

مسئلهٔ چالش برانگیز اخلاقیات راه‌حل حراست از میراث فرهنگی ناملموس از طریق میراث ملموس

دانش اخلاق میراث فرهنگی مطالعات موردی مربوط به این مباحث و مدیریت آنها را در طیف جغرافیایی و محتوای فرهنگی بررسی می‌کند. طریقهٔ انجام مورد مذکور به واسطهٔ دسترسی به دانش، کسب تجربه، تصدی‌گری، آموزش، قوم‌شناسی و باستان‌شناسی، فرهنگ جغرافیایی، قانون‌مداری، حافظهٔ جمعی و فردی، مدیریت موزه، تملک و نگهداری، اعتماد عمومی، حقوق بشر، گردشگری و موضوعات دیگر دنبال می‌شود. این مسئله خلاء میان تئوری و عمل را در بحث اخلاق و میراث فرهنگی پر می کند که به گفتهٔ کانت تئوری بدون عمل تهی و تمرین و عمل بدون تئوری کور است. متخصصین، هر یک به ازاء سهمی که نسبت به میراث فرهنگی دارند با فعالیت‌ها و مشاوره‌های خود این فاصله را پر می‌کنند(23). حفظ و حراست از اشیاء فرهنگی ملموس و غیر ملموس، بخشی از انتظارات جمعی اجتماع است و «مدیریت انتظارات جامعه یا برآوردن انتظارات مشترک اجتماعی، قرار دادن اخلاق به عنوان بنیان آداب علم است»(24). موزه‌ها یکی از بهترین رابطهای ملموسی هستند که می‌توانند به حفظ و حراست از اشیاء ملموس و غیرملموس میراث فرهنگی همت گمارند. یکی از راه‌حل‌هایی که باعث می‌شوند ما دانش و آگاهی‌های خود را در مورد استفاده‌های غیراخلاقی ناروا[8] و دستبرد به مواریث فرهنگی، افزایش دهیم؛ مجموعه‌های موزه‌ای مردم‌شناسی[9] است که جایگاهی برای حفظ طریقهٔ زندگی مردم بومی و جوامع سنتی و از طرف دیگر محلی برای افزایش آگاهی‌های مردم از این نوع زندگی‌ها به حساب می‌آیند. اما برای این کار نیاز است تا در قدم‌های اول هر گونه اطلاعاتی دربارهٔ چنین حرکت‌هایی، تجارب، موارد حایز اهمیت به علاوهٔ موسساتی که به جمع‌آوری میراث‌های معنوی می‌پردازند؛ مجموعه شده، داده‌های آنها مورد تجزیه‌تحلیل و مقایسه قرار بگیرد. چنین تمهیداتی برای مناطق شمال امریکا تجربه شد و نتایج ابتدایی اقدامات فوق بدین شرح بودند. تغییر دانش اقتصاد جهانی[10] که منجر به رقمی شدن[11] مجموعه‌های میراث فرهنگی غیر ملموس شد، تغییر در نوع ارتباط میان موسسات میراث و جوامع بومی‌گرا که سهم جوامع بومی[12] در تفسیر، ضبط و نشان دادن میراث فرهنگی خود، همواره رو به افزایش است؛ درخواست جوامع بومی برای استانداردهای جدید مالکیت معنوی در قبال فرهنگ و دانش سنتی خود(21).

موزه‌ها همانند شاهراه ارتباطی منابع جوامع، محل اِشراف و استفاده بر میراث فرهنگی آنها محسوب می‌شوند.

دانش سنتی[13] و مقولهٔ اخلاق

دانش سنتی عاملی است که مانند زنجیره‌ای میراث‌های فرهنگی ملت‌ها را با علوم بوجودآورندهٔ آنها که به صورت معمول به طریق خاصی فراهم آمده است مرتبط می‌سازد. در تعریف آن می‌توان گفت دانش سنتی به مجموعهٔ دانش، رموز کار[14]،

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

مهارت‌ها، خلاقیت‌ها و تمارینی گفته می‌شود که از نسلی به نسل دیگر، توسعه می‌یابد، حفظ و به نسل بعد سپرده می‌شود. افراد این نسل در هر اجتماعی که زندگی کنند بخشی از فرهنگ اجتماع یا هویت معنوی آن قلمداد می‌شوند(25). در مفهوم کلی این دانش نیز نظیر تعاریف فرهنگ سنتی، از نمادها و نشانه‌های مربوط به خود بهره می‌گیرد. دانش سنتی نوع خاصی از دانش است که به مفهوم سنتی از فعالیت‌های معنوی بدست می‌آید و قلمرو آن در حوزه‌های متفاوتی همچون کشاورزی، علوم، دانش فنی، زیست‌محیطی، طب سنتی علاوه بر فرهنگ و هنر گسترش می‌یابد. ریشه‌های این دانش قدمت بسیار دارد و اغلب نوعی دانش شفاهی است تا مکتوب.

مدیرکل یونسکو دانش سنتی را اینگونه تعریف می‌کند: مردم بومی در دنیا، حیطهٔ وسیعی از دانش را در اختیار دارند که تعامل آنها را با محیط نشان می‌دهد و بر اساس قرن‌ها زندگی با طبیعت، جمع آمده است(26). در جوامع روستایی، در کشورهای توسعه یافته، نمونه‌هایی از این رابطه رشد می‌یابد. غذا، دارو، سوخت، ساختمان‌ها، مواد اولیه و دیگر تولیدات جوامع از عناصر مهم هویت فرهنگی هر اجتماع محسوب می‌شوند. مردم بومی آوازهای سنتی، داستان‌ها، افسانه‌ها، رویاها، شیوه‌ها و ممارست‌هایی دارند که عناصر خاص انسانی قابل انتقال از دانش سنتی محسوب می‌شوند. در تمامی شرایط فوق، دانش به طور مستقیم از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد. دانش سنتی نظام موثقی است که برای استفاده از منابع، ملاحظات و شراکت‌های اجتماعی[15]، از قوانین خاص خود بهره می‌جوید. پویا، ماندگار و انباشته از اطلاعات است. بیان‌کنندهٔ خرد جمعی اجتماع است که معمولاً سینه به سینه[16] منتقل شده، سالمندان اجتماع نقش مهمی در تبادل این دانش به دیگران دارند(25). تا به حدی که می‌توان گفت با مرگ هر سالمند در این حوزهٔ زندگی اجتماعی، کتابخانه‌ای می‌سوزد(26). دانش سنتی بین آحاد اجتماع از سنین متفاوت ارتباط برقرار می‌کند و به ویژه رابطه‌ای که بین سالمند و جوان در این نوع از علم بوجود می آید درخور توجه است.

هر ملتی به اقتضای داشته‌های معنوی افراد اجتماع خود و سهمی که آنان در ساختن تمدن و مواریث فرهنگی آن ملت داشته‌اند، از دانش سنتی برخوردار است. برای حراست از این دانش، سیاست حمایت تدافعی در قالب خط‌مشی اطمینان از اینکه طرف سوم به صورت نامشروع و بی اساس حقوق مالکیت معنوی مبتنی بر دانش سنتی را کسب نکرده باشد، وجود دارد. به کمک سازمان جهانی مالکیت معنوی حق امتیاز این وجه اخلاقی دانش سنتی ملت‌ها، پس از تایید و ثبت، برای آنان در تاریخ نیز ثبت می‌شود. مدارک گردآوری شده و ارائه گردیده برای حفظ پشتوانهٔ اخلاقی دانش سنتی ملت‌ها، باید مستند و قابل دفاع باشد. منابع دانش سنتی را مواردی همچون برنامه‌های مربوط به مستندسازی[17]، پایگاه‌های اطلاعاتی داده و ثبت آنها، موارد کلیدی و قابل تجزیه و تحلیل، ابزارهای قانونی و قانون‌گذار، انتشارات، مطالعات و تحقیقات انجام شده شکل می‌دهد(27).

نتیجه‌گیری

شخصیت، میزان زهد و پرهیزگاری و به همان نسبت خباثت و فساد، انقیاد و وظیفه از جمله صفات مفاهیم اصلی اخلاقی در وجود افراد هستند. تمرکز بر اهمیت شخصیت افراد، مترتب توجه بر احساسات و روانشناسی اخلاقی آنان است که موجد پیشرفت حس قدردانی انسان از ارزش‌ها و اعتبار وجود افراد می‌شود که خود نوعی ارزیابی اخلاقی و نفس انسانی در کل جامعهٔ بشری برای ارزیابی درجهٔ تمدن و متابعت از قوانین اجتماعی در جهت رفاه و سعادت افراد محسوب می‌شود. میراث فرهنگی که به عبارت ساده‌تر، مبین داشته‌های معنوی ملموس و غیر ملموس جوامع انسانی است، از گذشته به دست مردمان در حال می‌رسد و به نسل‌های آینده سپرده خواهد شد. این میراث دانش مستتری را در خود انباشته دارد که هم تابعی از سنت بوده و هم به روش سینه به سینه به دست مردم در هر زمانی رسیده است. تا مدت زمان بسیاری توجه صرف بر حوزه‌های علمی و فنی، چگونگی حفظ و استفاده از چنین دانش سنتی را به عقب رانده بود. اما با برنامه‌ریزی و در نظر داشتن این جنبه از سرمایه‌های معنوی اجتماع انسانی، سازمان‌های مهمی همچون یونسکو، حقوق بشر و سازمان جهانی مالکیت معنوی راه‌کارهای قانونی و

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

استاندارد دفاع از میراث فرهنگی ملل را تبیین و مورد پیگرد قرار دادند. جوانب مثبت اخلاقی حق استفاده از مالکیت معنوی در دوبعد قابل توجه است؛ یکی از جهت جلوگیری از استفادهٔ غیر مجاز میراث فرهنگی و دیگری حق بهره‌برداری از منابع دانش سنتی بوسیلهٔ ملتی که اصل این دانش نزد آنان است. به عبارت دیگر با روبرو شدن با راه کارهای جدید، مفاهیم و اصطلاحات جدیدی عرضه شدند که هر یک جای خود را برای حراست و ثبت میراث فرهنگی، باز و محکم می‌کردند. مقولهٔ دانش سنتی، یکی از همان مفاهیم اصلی و پربازده است که برای ثبت و ضبط میراث فرهنگی ایران یا بخشی از دانش سنتی که به موضوع فرهنگ و هنر ایرانی اشاره دارد، لازم است تا هر چه بیشتر در مورد آن تحقیق و مطالعه شود تا به مرحلهٔ بهره‌برداری برسد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

میراث فرهنگی	1.Cultural Heritage
ارزش‌های هنری	2.Artistic Values
وظیفه‌گرایی	3. Deontology
میراث فرهنگی ملموس	4.Tangible Cultural Heritage
میراث فرهنگی غیر ملموس	5.Intangible Cultural Heritage
مالکیت معنوی	6.Intellectual Property
سازمان جهانی مالکیت جهانی	7. The World Intellectual Property (WIPO)
استفادهٔ ناروا	8. Illegitimate Use
مجموعه‌های موزه‌ای مردم‌شناسی	9.Ethnologic Museum's Collection
دانش اقتصاد جهانی	10. Global Knowledge Economy
رقمی شدن	11. Digitize
جوامع بومی	12. Indigenous Communities
دانش سنتی	13. Traditional Knowledge
فوت و فن و رموز کار	14. Know-How Skills
شراکت‌های اجتماعی	15. Social Participation
سینه به سینه	16. Chest to Chest
مستندسازی	17. Documentation

منابع

1. Hoggart R. (1992). Oxford encyclopedia of peoples and cultures. US: Oxford University Press. P. 78.
2. Collier R. (1991). Collier Encyclopedia. New York: Collier & Sons Company. P. 7561.
3. Daiealeslam SMA. (1975). Fargange Nezam. Tehran: Danesh. P. 46. (In Persian)
4. Dehkhoda AA. (1994). Encyclopedic dictionary. Tehran: Tehran University Publication. P. 15109. (In Persian).
5. Mosahab G. (2001). Persian encyclopedia. Tehran: Habibi Publication. P. 1895. (In Persian)
6. Khorsandi A. (2006). The system of educational relation in Iran. Tehran: Cultural & Social Research Center. P. 62. (In Persian)
7. Atrak H. (2010). Deontology. Ethics in science & Technology; 5(1, 2): 28. (In Persian).
8. Ramin A. (2010). Daneshgostar Encyclopedia. Tehran: Daneshgostar Publishing. P. 780. (In Persian)
9. Daryaie N. (2013). Educational potentials of handmade carpets such as floor coverings for children. Journal of Curriculum Studies; 8(30). (In Persian)
10. Grolier Incorporated. (1992).Encyclopedia Americana. Danbury, Conn: Grolier. P. 315.
11. Eliot TS. (2000). About culture. Translated by: Shahrokh H. (2002). Tehran: Markaz Publication. P. 11, 40. (In Persian)
12. Farhud DD. (2013). Cultural Iran. Tehran: Saba Publication. P. 29, 28. (In Persian)
13. Safa Z. (1996). Culture and its universal effect. Tehran: Hirmand Press. P. 116. (In Persian)

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

14.Blake VJ. (2000). On defining the cultural heritage. Available at: www.journals.cambridge.org. Accessed: 30 Sep 2015.

15.Traiger S. (2006). Hume's Treatise. USA: Blackwell Publishing. P. 278.

16.Authors Group. (1993). Encyclopedia Britannica. Vol 16. USA: Official Website. P. 875.

17.Dizaji S. (2010)., Ethics in Architecture. Ethics in Science & Technology; (3, 4): 109. (In Persian)

18.UNESKO. ((2012). Tangible cultural heritage. Available at: www.unesco.org. Accessed: 20 Nov 2015.

19.Silverman H, Ruggles DF. (2007). Cultural heritage and human rights. Available at: www.link.springer.com. Accessed: 23 Sep 2015.

20.IPinCH. (2012). Intellectual property in cultural heritage. Available at: www.sfu.ca/ipinch/. Accessed: 1 July 2015.

21.Skrydstrup M. (2013). Protecting intangible cultural heritage: from Ethical dilemmas to best practice. Available at: www.icom.museum. Accessed: 18 July 2015

22.INCC. (2014). Intellectual property. Available at: www.incc.ir. Accessed: 24 July 2015

23.Sandis C. (2014). Cultural heritage ethics: between Theory and Practice. Available at: www.openbookpublishers.com. Accessed: 10 July 2015.

24.Vedadhir A, Farhud DD. (2008). The ethos and standards of ethical conduct in knowing and doing science. Ethics in Science & Technology; 3(3, 4): 8. (In Persian).

25. World International Property Organization. (2012). Traditional knowledge and intellectual property. Available at: www.wipo,int/tk/en/tk. Accessed: 21 July 2015.

26.Alaska Native Science Commission. (2011). What is traditional knowledge. Available at: www.nativescience.org. Accessed: 22 July 2015.

27.TKWB. (2010). Traditional knowledge world bank. Available at: www.tkwb.org/w/index.php/main_page. Accessed: 6 Oct 2015.

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.2.2.2]